نقد مالااسماعیل خواجویی بر قول سید رفیعا

آن چه که مشغول بودیم؛ عبارتی از آقا زاده حاج آقا حسین خوانساری در کتاب «تکمیل مشارق الشموس» بود. ایشان پنج احتمال را مطرح کردند و ما هم آنها را خواندیم. احتمالی که از سید محقق نائینی نقل کردهاند عبارتش یک طوری بود. ما آن را خواندیم. اما همان عبارت سید میرزا رفیعا را مرحوم ملا اسماعیل میآورند با یک اضافهای. آن اضافه خیلی طلبگی و جذاب است.

عبارت تکمیل مشارق الشموس این بود:

> **و قد نقل عن السيد الفاضل المحقق النائيني رفع مقامه أن المراد من الرؤية أنه إذا طلب الهلال أي القمر بدو المحاق في المشرق غدوة من اليوم السابع و العشرين فلم ير فهاهنا أي في الليلة التي يحتمل الرؤية فيها و هي ليلة الثلاثين هلال جديد سواء رأي أو لم ير و مؤدى الرواية ما ذهب إليه أهل التنجيم من أنه إذا لم يمكن رؤية الهلال في اليوم السابع و العشرين فهو ممكن الرؤية ليلة الثلاثين و الشهر ناقص[1]**

«أن المراد من الرؤية»؛ وجه چهارم است. **«أنه إذا طلب الهلال أي القمر بدو المحاق»**؛ یعنی بیست و هفتم، بیست و هشتم. **«في المشرق غدوة من اليوم السابع و العشرين فلم ير»**؛ صبح بیست و هفتم ندیدیم، **«فهاهنا أي في الليلة التي يحتمل الرؤية فيها و هي ليلة الثلاثين»**؛ هاهنا یعنی غروب بیست و نهم که شب سی ام میشود. اینطور خواندیم و معنا کردیم.

نکتهای که ملا اسماعیل دارند این است. ایشان هم در رسائل خواجویه و هم در رؤیت هلال (ج۱ ص۳۹۴) میگویند:

> **و قال السيّد السند ميرزا رفيعا- على ما نقل عنه-: معناه أنّه إذا طلب الهلال- أي بدو المحاق في المشرق- أي في جهة المشرق قبل الزوال من اليوم السابع و العشرين فلم ير، فهو هاهنا- أي في الليلة التي تحتمل الرؤية فيها، و هي ليلة الثلاثين- هلال جديد، سواء رئي لعدم المانع في الجوّ أو لم ير بتحقّقه فيه. و حينئذ مؤدّى الحديث هو ما أشار إليه أهل التنجيم من أنّه إذا لم يمكن رؤية الهلال**

> **قبل زوال ذلك اليوم، فهو ممكن الرؤية في ليلة الثالثين، و الشهر ناقص، و إن أمكن رؤيته في ذلك اليوم، لم يمكن رؤيته في تلك الليلة، و الشهر تامّ الّا بتّة. انتهى.**
>
> **و فيه: أنّ المعروف المتبادر من الهلال غرّة القمر لا ما يرى قبل المحاق في آخر الشهر، و أيضا فإنّ «هنا» و «هاهنا» اسمان وضعا ليشار بهما إلى المكان القريب، لا إلى الزمان القريب. قال ابن مالك في منظومته: و بهنا و هاهنا أشر إلى داني المكان و به الكاف صل فلفظ الحديث لا يساعد هذا التوجيه، إلّا أن يقال: إنّه من باب استعارة اسم المكان للزمان، كما قيل في قوله تعالى: فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمانُهُمْ لَمّا رَأَوْا بأْسَنا سُنَّتَ اللّهِ الّتي قَدْ خَلَتْ في عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنالِكَ الْكافِرُونَ «1» أي وقت رؤيتهم البأس.[2]**

«و فيه»؛ ببینیم در سید سند توسط ملا اسماعیل چیست. مرحوم آقا رضی خوانساری حرف سید رفیعا را در نکردهاند. فقط گفتهاند این احتمالات عجیب است. یعنی استغراب کردهاند. اما ملا اسماعیل حرف ایشان را در میکند. من ردها را به ترتیب میخوانم.

«أنّ المعروف المتبادر من الهلال غرّة القمر»؛ وقتی هلال میگویند نه یعنی هلال آخر ماه، یعنی ابتدای ماه. «لا ما يرى قبل المحاق في آخر الشهر».

«و أيضا فإنّ «هنا» و «هاهنا» اسمان وضعا ليشار بهما إلى المكان القريب، لا إلى الزمان القريب»؛ این چیزی بود که ما در آن مباحثه عبارت میرزا رفیعا را به این صورت معنا نکردیم. همینطور خواندیم و رفتیم. معلوم میشود ملا اسماعیل نیستیم! ایشان با دقتشان و استادیای که داشتند میگویند میرزا رفیعا «هاهنا» را از اسم مکان در بردهاند. «هاهنا» را اسم زمان کردهاند. عبارت میرزا رفیعا چه بود؟ «فهو هاهنا هلال جديد، اي في الليلة»، ما «في الليلة» را مکان گرفتیم، طرف مغرب و اسم مکان گرفتیم. «في الليلة» صرف ظرف زمانی مقارن بود. اما ایشان «هاهنا في الليلة» را ظرف زمان گرفتهاند. چرا عبارت میرزا رفیعا را ظرف زمان گرفتند؟ میگویند چون صدر حدیث این است: «اذا طلب الهلال في المشرق غدوات»، یعنی غدوه صبح بیست و هفتم. حرف میرزا رفیعا این بود. «فهو هاهنا»؛ یعنی امروز. وقتی که حال هستیم، نه صبح بیست و هفتم. طلب هلال ما صبح بیست و هفتم بود، «فهو هاهنا»؛ یعنی هذا الزمان. خب این نکتهای است که ملا اسماعیل در عبارتی دقت کردهاند. اما اینکه دقیقاً مراد سید این بوده یا نبوده، نمیدانم. باید بیشتر تأمل کرد.

9:26

شاگرد: «هاهنا» یعنی شب سیام.

استاد: بله

شاگرد: «هاهنا» یعنی همان روز بیست و هفتم.

استاد: نه، اتفاقا میگویم ملا اسماعیل میگویند چون میرزا رفیعا «غدوات طلب في المشرق» را صبح بیست و هفتم گرفتهاند و محل ابتلای ما شب سیام است، پس «هاهنا» یعنی «هذا الزمان»؛ امروز؛ روز بیست و نهم که شب شده. ملا اسماعیل به این صورت معنا میکنند. ما که

خواندیم ملزمه ای ندیدیم؛ بین اینکه صبح بیست و هفتم طلب کنیم، شب سیام هم در طرف مغرب ببینیم. ولی ایرادی که ایشان به سید گرفتهاند این است: «و أيضا فإنّ «هنا» و «هاهنا» اسمان وضعا ليشار بهما إلى المكان القريب، لا إلى الزمان القريب»؛ که «هاهنا» یعنی امروز. بیست و هفتم دیدهاید حال امروز «رئیس هلال جدید».

«قال ابن مالك في منظومته»؛ از الفیه هم شاهد آوردهاند. **«و بهنا و هاهنا أشر إلى داني المكان و به الكاف صل؛ فلفظ الحديث لا يساعد هذا التوجيه»؛** لفظ حدیث با توجیه اسم زمانی تمام نیست. **«إلّا أن يقال: إنّه من باب استعارة اسم المكان للزمان، كما قيل في قوله تعالى: فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمانُهُمْ لَمّا رَأَوْا بأْسَنا سُنَّتَ اللّٰهِ الَّتي قَدْ خَلَتْ في عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنالِكَ الْكافِرُونَ»؛** یعنی فی هذا الزمان. هنالک یعنی در زمانیکه «لمّا رأوا بأسنا». «لمّا رأوا» زمان است، «هنالک» هم به زمان میخورد.

شاگرد: «فَهُنالِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطانُ عَلَى أَوْلِيائِهِ»[3].

استاد: بله.

ببینید خود همین آیه و استشهاد آن خوب است. «و فیه بعد»؛ در اینکه اسم مکان بیاید و این استعاره باشد بعد است.

---

[1] تكميل مشارق الشموس في شرح الدروس؛ ص: ۴۷۱

[2] رؤيت هلال، ج۱، ص: ۳۹۴

[3] نهجالبلاغه خطبه ۵۰

بازبینی #1
ایجاد شده 25 آوریل 2026 12:37:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 آوریل 2026 12:40:22 توسط ... .